

ماهیت معماری در ایجاد و تعریف مکان



تجزیه و تحلیل معماری

سیمون آنوین

ترجمه‌ی آرمین یگانه

انتشارات ستوده، ۱۳۸۶

قبلی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. هدف کلی این کتاب از مطرح نمودن مباحث مربوط به تجزیه و تحلیل، جست‌وجوی معماری بدون پیش داوری و فراهم آوردن چارچوبی برای تجزیه و تحلیل آثار معماری است.

توضیحات هر بخش از کتاب با مثال‌های متعددی تکمیل می‌گردند و در تمام بخش‌ها رابطه‌ای نزدیک میان متن و ترسیمات وجود دارد. برخی ترسیمات دیگرام‌های عناصر یا مفاهیمی خاص بوده و بسیاری از آنها مثال‌هایی هستند که در موردشان در طی متن بحث شده است. مثال‌ها اغلب به صورت پلان یا مقطع ارائه شده‌اند تا ایده‌ها و استراتژی‌های مفهومی نهفته در آنها برای خواننده آشکار شود. پلان‌ها و مقاطع به صورتی انتزاعی که در آغاز طراحی ترسیم می‌شوند، آورده شده‌اند که واسطه‌ی اصلی درک مفاهیم مورد توجه در تجزیه و تحلیل نیز می‌باشند.

این اثر ارائه دهنده‌ی مجموعه‌ای از استراتژی‌های معمارانه به منظور معرفی عناصر و مفاهیم طراحی است که به وسیله‌ی تصاویری که نگارنده آنها را برای مثال ترسیم کرده است، شرح و بسط یافته‌اند. شیوه‌ی ارائه مثال‌ها بیان‌کننده‌ی تم‌های مختلف تحلیلی و نحوه‌ی استفاده از ترسیم در آموزش معماری است.

استفاده از مثال‌هایی مربوط به زمان‌های مختلف، فرهنگ‌ها، اقلیم‌ها و نواحی گوناگون جهان موجب شده سبک‌های مختلف در کنار هم ارائه

تجزیه و تحلیل معماری کتابی است حاصل سال‌ها تجربه، مطالعه و تدریس نویسنده که با بیانی شیوا برای دانشجویان و علاقه‌مندان به هنر معماری ارائه شده است. نحوه‌ی بیان مبین چیره دستی آنوین در فن بیان است و آنچه از ادبیات در حوزه‌ی معماری آورده است گستره‌ی اطلاعاتش را نشان می‌دهد. وی در خلال مباحث معماری کتاب، عباراتی را از میان رمان‌ها و نمایشنامه‌هایی برگزیده که با موضوع مورد بحث رابطه‌ی تنگاتنگ دارد و اینکه رمان‌های گابریل گارسیا مارکز و ویرجینیا ولف و نمایشنامه‌های شکسپیر آشکار می‌کنند که چگونه مفاهیم معماری ریشه در عمق تفکرات انسانی دارند. هم‌چنین گریزهایی به متون فلسفی از ارسطو تا هایدگر دقت نظر و ظرافت طبع پروفیسور سیمون آنوین را نشان می‌دهند.

هدف کتاب بسیار اساسی بوده و مولف سعی در آشکار ساختن ماهیت معماری در ایجاد و تعریف مکان دارد. همان‌گونه که خود نویسنده نیز اشاره کرده است، کتاب به جای اینکه گرفتار ظواهر سبکی باشد، به استراتژی‌های زیربنایی نظام دهنده‌ی معماری می‌پردازد.

این کتاب که از شانزده بخش تشکیل شده در هر بخش به موضوعی خاص می‌پردازد. این موضوعات همچون فیلترهای تجزیه‌کننده به الگوهای مرجع، هر کدام بر زمینه‌ی خاصی از پیچیدگی معماری مربوط هستند و در فصل آخر چند نمونه به طور کامل مطابق با اصول مطرح شده در بخش‌های

شوند. به نظر می‌رسد این عمل با هدف آگاه ساختن خواننده از مشترک بودن اصول و مفاهیم مطرح شده در سبک‌های مختلف معماری باشد که مخاطب با مشاهده‌ی این مثال‌ها از سبک‌ها و زمان‌های متنوع در کنار هم، می‌تواند به گونه‌های مختلف تجسم یافتن یک مفهوم و توسعه‌ی آن طی زمان‌های دیگر پی‌برد. به عبارت دیگر این مجموعه معرف زبان مشترک معماری که تمام سبک‌ها از آن استفاده می‌کنند، نیز می‌باشد. علاوه بر این خوانندگان با مطالعه‌ی آثار منتخب دیگر معماران نامی که در مثال‌ها آورده شده و از جنبه‌های مختلف تحلیل شده‌اند، نقاط قوت این آثار و نوآوری‌های هنرمند را درک نموده و از آنها به صورت توسعه یافته‌تر در طرح‌های آتی خود استفاده می‌نمایند.

مثال‌ها تماماً به صورت دست‌آزاد ترسیم شده‌اند که جهت آشنایی علاقه‌مندان و دانشجویان به شیوه‌های ترسیم دست‌آزاد معماری، بیان تصویری مفاهیم و خلاصه کردن یک اثر معماری برای بیان موضوعی خاص، بسیار مفید می‌باشد. شایان ذکر است در ارجاع به تصاویر مربوط به مثال‌ها در متن از ارجاع عددی استفاده نشده است در بعضی موارد باعث ناتوانی مخاطب در دنبال نمودن موضوع می‌گردد. همچنین آنچه هدف نویسنده بوده در تصاویر شاخص نشده و خواننده خود باید به واسطه‌ی مطالب متن موضوع را در تصویر دنبال کند، هرچند این امر به افزایش قدرت تجزیه و تحلیل خواننده و درک بهتر مطالب کمک می‌کند ولی در بعضی موارد و به‌خصوص رای افراد نوآموز باعث سردرگمی خواهد شد.

در توصیه‌ی این کتاب به نوآموزان معماری نباید تردید کرد. کتاب معرف بسیاری از مفاهیم و مراجع اصلی آموزش معماری است.

بخش‌های مختلف کتاب:

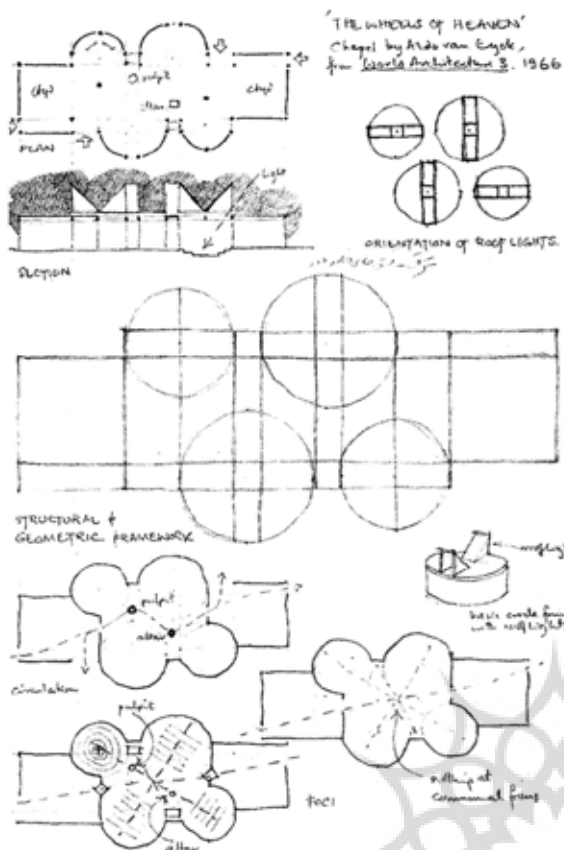
در مقدمه نویسنده در مورد روشی که در این کتاب برای تجزیه و تحلیل آثار معماری به کار گرفته است، توضیح می‌دهد و ضمن اشاره به دفترچه‌ی اسکیس خود، وجود آن را عاملی مؤثر برای تمرکز بر مسئله‌ی تدریس می‌داند. وی سپس به عقیده‌ی خود مبنی بر تقویت قدرت طراحی معماری از طریق مطالعه‌ی آثار دیگران می‌پردازد. نویسنده فصل‌های مختلف کتاب را حاوی ترسیماتی معرفی می‌کند که تم‌های دفاتر یادداشتش را تشریح می‌کند، مشاهداتی از معماری، عناصر آن و شرایطی که بر آن تأثیر می‌گذارد و رویکردهایی که می‌تواند در طراحی مدنظر قرار گیرد.

معماری برای هویت بخشیدن به مکان:

این بخش ابتدا با تعریف معماری آغاز می‌شود. مؤلف معماری را نه به عنوان یک زبان، بلکه به مثابه چیزی شبیه به نوعی زبان نگاه می‌کند و همان‌طور که تکلم معنا ساختن است و بار اصلی تکلم معنا است، مکان را بار اصلی معماری می‌داند و کلیه‌ی مباحث مطرح شده تا پایان نیز مطابق با این تعریف شکل می‌گیرند. در ادامه محدودیت‌های معماری مطرح می‌گردند. معماری هنر آزاد و انتزاعی نیست، از زمانی که فرایند معماری در ذهن شروع می‌شود با دنیای واقعی و مسایل خاص خودش مواجه می‌شود که در این بخش به این مسائل به صورت مبسوط اشاره شده است.

عناصر بنیادین:

این بخش به بررسی عناصر در دسترس برای طراحی می‌پردازد. منظور از این عناصر، مصالح فیزیکی ساختمان، شامل آجر و ملات و شیشه و ...



یک منبع نقطه‌ای می‌تواند مکانی برای جلب توجه تعریف کند

نیست، بلکه عناصر سازنده‌ی معماری است که به عنوان شیء تلقی نمی‌شوند و بر اساس نقشی که در تعریف مکان دارند به آنها نگریسته شده است. بعضی عناصر مانند نقاط شاخص، نقطه عطف، مانع، مسیر، بازشوها و ... در این بخش مدنظر قرار گرفته‌اند.

عناصر تغییر دهنده‌ی معماری:

در اینجا نویسنده ضمن اشاره به انتزاعی بودن عناصر بنیادین معماری، به عناصری می‌پردازد که در واقعیت فیزیکی، عناصر بنیادین و مکان‌هایی که توسط آنها تعریف می‌شوند را تغییر می‌دهند. نویسنده این عناصر را شامل نور، رنگ، صدا، دما، جریان هوا، رایحه و طعم، کیفیت و بافت مصالح، کاربری، مقیاس، تأثیرات تجربی زمان و ... می‌داند که با ذکر مثال‌هایی به چگونگی تأثیر این عناصر بر عناصر بنیادین و مکان می‌پردازد.

عناصر معماری بیش از یک عملکرد دارند:

این بخش به توضیح درباره‌ی چگونگی ایفای چند نقش توسط عناصر بنیادین، در بناهای معماری، اختصاص دارد. نویسنده توانایی استفاده از یک

بیان می‌کند که فرم مکان‌ها ثابت و مشخص نیست و همواره مؤلفه‌ی اصلی (مثلاً آتش در اجاق) ثابت می‌باشد ولی شیوه‌های تعریف مکان (اجاق) متفاوت است.

معماری به عنوان ایجاد قاب:

در این بخش تصویر معماری به عنوان قاب، قسمتی از درک آن به عنوان مکان معرفی شده است. قاب‌ها، مرزها را معلوم می‌کنند و واسطه‌ی موضوعات داخلی و دنیای خارج هستند. نویسنده محصولات معماری را به عنوان قاب‌های چند بعدی و چند لایه معرفی کرده است که در مجموع چارچوبی پیچیده و گسترده از زندگی تشکیل می‌دهند و مانند موسیقی که بر اساس وزن یک شعر تنظیم می‌شود، از نظم و ساختار تبعیت می‌کنند. قاب به عنوان مرجعی معرفی شده که مکانی مشخص را تعریف می‌کند و به آن نظم می‌بخشد.

معابد و کلبه‌ها:

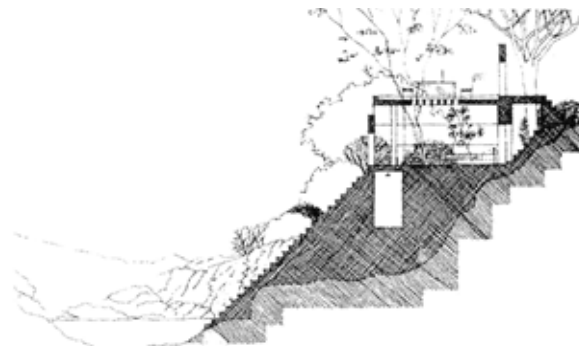
این بخش به بحث در ارتباط با مواجهه‌ی انسان با طبیعت و تأثیر آن بر معماری اختصاص دارد. انسان در مواجهه با جهان گاهی آنچه را که برایش فراهم شده است، همان‌طور می‌پذیرد و گاهی سعی در تغییر آن دارد تا به آنچه فکر می‌کند باید باشد، تبدیلش کند و آنچه برایش راحتی، زیبایی و ترتیب بهتری فراهم می‌کند.

واکنش ما نسبت به جهان می‌تواند یکی از دو پاسخ باشد، پذیرفتن یا تغییر دادن. این مبحث با مقایسه‌ی نظرات ویتروویوس و جان راسکین به عنوان دو نویسنده‌ی معمار و تفاوت جهت‌گیری‌های فلسفی آنها در ارتباط با واکنش نسبت به طبیعت ادامه می‌یابد. سپس با دسته‌بندی شرایطی که طبیعت فراهم می‌کند و در معماری باید مورد توجه قرار گیرد به ذکر شیوه‌های پاسخگویی به بعضی از این شرایط در معماری به صورت مختصر می‌پردازد. در ادامه نویسنده ضمن اذعان بر مرکب بودن محصولات معماری، پذیرش یا تغییر برخی شرایط طبیعی که پیش‌تر ذکر شد را انتخابی و فاقد قانون معین معرفی می‌کند. در این بخش یک کلبه و یک معبد بدوی به عنوان شاخص‌های پذیرش و مقابله با شرایط طبیعی شرح داده شده است. نگارنده ساختمان‌های متعددی با این (دو معبد و کلبه بدوی) را به عنوان شاخص، مقایسه می‌کند و این ساختمان‌ها را به لحاظ چگونگی برخورد با شرایط طبیعی دارای شخصیت معبد یا کلبه معرفی و پس از ذکر نمونه‌هایی که دارای ویژگی‌های معبد و کلبه به صورت مشترک هستند، در نهایت نتیجه می‌گیرد که دوگانگی در رویکردها و ایده‌های معمارانه‌ی «معبد» و «کلبه» به تمام ابعاد معماری کشیده می‌شود و معمار می‌تواند نظمی انتزاعی را بر جهان حاکم کند یا به آنچه جهان برایش فراهم می‌کند پاسخ دهد. وی سپس بر اینکه اغلب معماری‌ها شامل هر دو رویکرد در یک زمان هستند، اذعان می‌دارد.

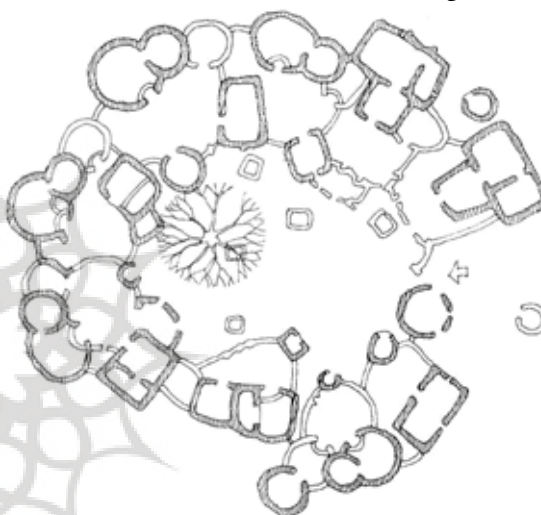
این بخش نسبت به بخش‌های قبلی ضعیف‌تر کار شده و توضیحات ارائه شده خیلی روشن و واضح به کار نرفته است و در ترمیمات و مثال‌های ارائه شده نیز به راحتی نمی‌توان مفاهیم ذکر شده را درک کرد.

هندسه‌های موجود:

در این بخش هندسه‌ی مورد بحث قرار گرفته است که از شرایط موجود سایت اتخاذ شده است. منظور از هندسه‌های موجود، هندسه‌هایی



شکل ساخته شده این خانه کوچک در مکزیکو، آلمانی و کمینه گراست. ساختمان برای تکمیل شدن وابسته به درختان اطراف است. فضای نشیمن بالای اتاق خواب تنها یک دیوار ساخته شده دارد. باقی دیوارها و سقف را جنگل ایجاد می‌کند.



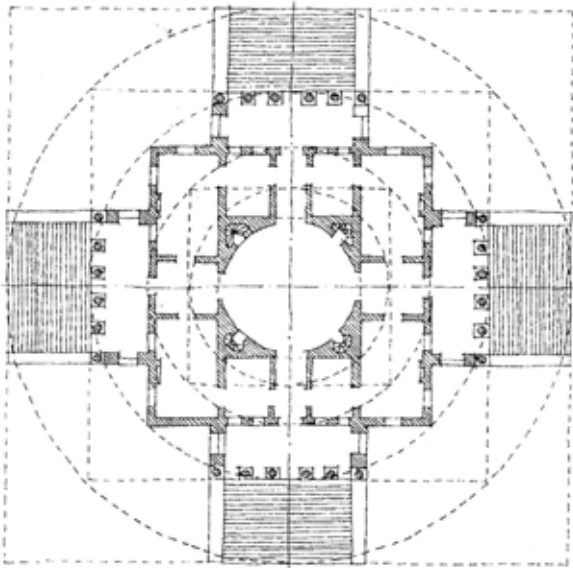
عناصر برای معرفی چند مکان یا عملکرد مختلف را یکی از زمینه‌های خلاقه‌ی معماری می‌داند و معتقد است این توانایی حاصل فرایند ذهنی متقابل شناخت و آفرینش است، به طوری که آفرینش یک مکان منجر به شناخت دیگر مکان‌ها می‌شود که با کمک گرفتن از نمونه‌های مختلف شرح داده شده است.

استفاده از عناصر موجود در سایت:

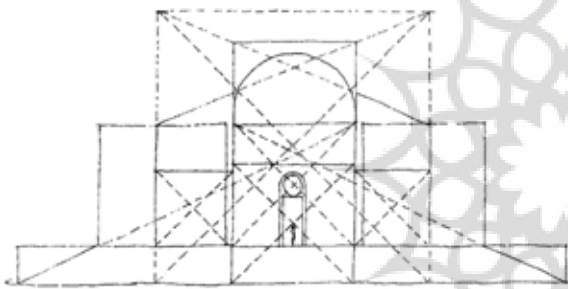
عناصر موجود در سایت در تقویت، تعریف و شناسایی و شکل گرفتن تصویر ذهنی یک مکان بسیار مؤثر می‌باشند. بنابراین باتوجه به اهمیت این موضوع، مؤلف با استفاده از نمونه‌های متنوع سعی در تشریح این مسئله دارد.

شکل مکان‌های بدوی:

این بخش ابتدا به توضیح درباره‌ی قدیمی‌ترین نوع مکان‌های ساخته‌ی بشر می‌پردازد و آنها را مکان‌هایی معرفی می‌کند که با زمینه‌های بنیادی زندگی سر و کار دارند. نویسنده سپس به تشابه معماری با زبان اشاره می‌کند و این دو را به لحاظ راکد نبودن، داشتن روح و همچنین امکان بیان یک مفهوم به شکل‌های مختلف و اهمیت قدرت تشخیص مخاطب در درک مفهوم مشابه می‌داند. آن گاه همین تشابهات را به‌وسیله‌ی مثال‌هایی از مکان‌های بدوی و سیر تحول آن در زمان‌های مختلف نشان می‌دهد و



پلان پلادیو چهار جهت افقی اصلی را در یک نقطه متمرکز می‌کند و این نقطه مرکز سالن دایره شکل در قلب پلان است که ویلا نام خود را از آن گرفته است



این دیوارها جهت سازماندهی فضا را شرح می‌دهد.

تشکیل طبقات:

در این بخش ساختمان‌های متعددی با سابقه‌ی تاریخی و سبک ساخت متفاوت از جنبه‌ی چگونگی شکل‌گیری طبقات، ارتباط طبقات با سازه، نفوذپذیری و تعداد طبقات و... مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند. در مثال‌های ذکر شده به استفاده از مقاطع بسنده شده است که در بعضی موارد نمی‌تواند کاملاً گویا باشد و برای درک بهتر ارتباطات فضایی نیاز به پلان نیز احساس می‌شود.

عبور، سلسله مراتب، قلب:

این بخش با توضیح درباره‌ی انواع مکان به لحاظ تحرک در آن شروع می‌شود و سپس به توضیح درباره‌ی مسیرها و اهمیت آنها در ارتباط دادن مکان‌های ایستا می‌پردازد و ضمن اذعان به وجود سلسله مراتب در چنین مسیرهایی، با ذکر مثال‌هایی این مهم را شرح می‌دهد. خواننده با مطالعه‌ی این بخش می‌تواند تاحدی با سلسله مراتب به کار رفته و عناصر تعریف کننده‌ی این سلسله مراتب از ورودی تا قلب بنا، از عصر یونان باستان تا دوران معاصر آشنا شود.

در بخش آخر نمونه‌هایی مطابق با اصولی که در پانزده بخش قبلی به صورت مجزا شرح داده شد «تجزیه و تحلیل شده است.

است که حاصل مواجهه با طبیعت پیرامون هستند و در بطن تعریف مکان جای می‌گیرند. مفاهیمی چون دایره‌های حضور، خطوط دید، خطوط مسیر، اندازه‌گیری، جهات اصلی، هندسه‌ی جمع و هندسه‌ی ساخت در این قسمت به عنوان زیرشاخه‌های هندسه‌ی موجود مورد بررسی قرار گرفته و به وسیله‌ی مثال‌هایی شرح داده شده‌اند و به تأثیرات این مفاهیم در درک و تعریف فضا، به خصوص از دیدگاه روان‌شناسانه نیز اشاره شده است.

هندسه‌های ایده‌آل:

این بخش با توضیح درباره‌ی هندسه‌ی ایده‌آل شروع می‌شود و هندسه ایده‌آل را ابداعی معرفی می‌کند که ذهن انسان به طبیعت تحمیل می‌کند و سابقه‌ی آن را در مصر باستان برای تعیین مرز قطعات زمین می‌داند. همچنین این هندسه را عاملی می‌داند که توسط دانشمندان برای تئوریزه کردن نحوه‌ی کارکرد فیزیک جهان استفاده شده و نشان می‌دهد طبیعت از اصول هندسی پیروی می‌کند. پس از توضیح درباره‌ی هندسه‌ی ایده‌آل، رویکردهای مختلفی که هندسه ایده‌آل در معماری می‌سازد، دلایل جذابیت آن برای انسان و تفاوت‌های هندسه‌ی ایده‌آل با هندسه‌های موجود شرح داده شده است. این بخش به بررسی چگونگی استفاده از هندسه‌ی ایده‌آل در نماها و پلان‌های معماری طی دوره‌های مختلف تاریخی می‌پردازد که حاکی از پیچیده‌تر شدن هندسه‌های به کار رفته به دلیل استفاده از نرم افزارهای طراحی پیشرفته‌ی معماری در آثار معاصر است.

فضا و سازه:

این بخش به رابطه‌ی میان سازه و فضا به عنوان دو واسطه‌ی معماری اختصاص دارد و ضمن اشاره به عدم وجود همیشگی رابطه‌ی مستقیم بین سازه و معماری، به رویکردهای متفاوتی که معمار می‌تواند نسبت به برقراری رابطه بین این دو عنصر داشته باشد، می‌پردازد. نویسنده در توضیح این مهم به مثال‌هایی از مکان‌های نمایش در یونان باستان و سایر فضاها با کاربری‌های مختلف از دوره‌های متنوع تاریخی اشاره کرده و در آخر نیز فضاهای حفر شده، تاخورد و پیچیده شده تک سلولی را شرح می‌دهد. در این قسمت وی توضیح می‌دهد که چگونه فضاهای حفر شده، تاخورد و پیچیده شده از دستورالعمل‌های سازه‌ای سرپیچی می‌کنند. سپس شرح مختصری نیز درباره‌ی معماری‌های مجازی و فضاهای سایبرنتیک می‌دهد که بسیار خلاصه ارائه شده است. در بعضی مثال‌های ارائه شده توسط نویسنده فقط به پلان بسنده شده است که با توجه به موضوع، نیاز به تصویری سه بعدی نیز احساس می‌شود. از این رو بعضی از مثال‌ها نمی‌تواند هدف نگارنده را برای مخاطب کاملاً آشکار سازد.

دیوارهای موازی:

در این بخش دیوارهای موازی به عنوان یکی از ساده‌ترین و قدیمی‌ترین استراتژی‌های معمارانه مورد توجه قرار گرفته است. نویسنده با بررسی تاریخی کاربرد این عناصر شروع می‌شود و سابقه‌ی استفاده از این عناصر را متعلق به دوره‌ی پیش از تاریخ معرفی می‌کند و علت استفاده‌ی زیاد از این عناصر در طول تاریخ را استفاده‌ی آسان از این عناصر به عنوان سازه جهت نگهداری سقف می‌داند. سپس با ذکر مثال‌های مختلف، موارد استفاده‌های دیگری برای دیوارهای موازی، مانند تعریف ورودی، کمک به حس مسیریابی، تأکید بر یک نقطه به وسیله‌ی ایجاد پرسپکتیو و استفاده از